

طرح افزایش درک مطلب کودکان دبستانی  
با هدف توسعه سواد خواندن

پایه:

نام و نام خانوادگی:

پیدا

در کلاس درس



"دوره اول"

(نجیمه جمالی)



فرزندان دلبندم؛ دقت کنید و به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱- با کلمات داخل کادر یک جمله بنویس.

باید- در - تو - استقامت - دوی - کنی - تمرین - یکی - از - رشته های

۲- مربی دو میدانی چه کسی بود؟

الف) سوسمار      ب) موش      ج) خرگوش      د) سنجاب

۳- شهریه دو میدانی چه بود؟

الف) یک گل کاهو      ب) دو هویج      ج) سه هویج      د) سه کاهو

۴- به نظر شما تمرین های لاکي بی فایده بود؟

۵- آقا خرگوشه چه پیشنهادی به لاکي کوچولو کرد؟

۶- چرا لاکي از پدرش خواست که پنج تا هویج به آقا خرگوشه بدهد؟

۷- آیا ورزش دوی استقامت را می شناسی؟

"معاونت آموزشی"

## "لاک پشت ورزشکار"

یکی بود، یکی نبود. لاک پشت کوچولویی بود که با پدر و مادرش در کنار برکه ای زندگی می کرد. یک روز بابا لاک پشت از لاک پشت کوچولویی پرسید: "عزیزم وقتی بزرگ شدی، دوست داری چه کاره شوی؟"

لاک پشت کوچولو گفت: "من دوست دارم قهرمان دوی سرعت شوم." بابا لاک پشت خیلی تعجب کرد، سرش را تکان داد و گفت: "لاکی جان من فکر نمی کنم تو در دوی سرعت خیلی موفق شوی."

لاک پشت کوچولو گفت: "ولی بابا لاک آرزوی من همین است."

آقا لاک پشت و خانم لاک پشت آن روز مدت زیادی با هم صحبت کردند. فردا صبح بابا لاک پشت، دست لاک کوچولو را گرفت و به باشگاه ورزشی برد. مربی دو میدانی، آقا خرگوشه بود. او وقتی فهمید لاک پشت کوچولو چه آرزویی دارد، گفت: "خب ... که این طور..... مشکلی نیست. هر روز بیاید و تمرین کند، ببینم چطور می شود و چقدر پیشرفت دارد."

آقا لاک پشت پرسید: "یعنی لاک می تواند تمرین دوی سرعت انجام دهد؟"

آقا خرگوشه گوش هایش را تکان داد و گفت: "سعی خودمان را می کنیم، شهریه قسمت دو میدانی هم روزی سه تا هویج است."

آقا لاک پشت قبول کرد و لاک کوچولو مشغول تمرین شد.

از آن روز به بعد لاک پشت کوچولو هر روز به باشگاه می رفت و تمرین می کرد. خرگوش کوچولو و سنجاب و موش و سمور هم بودند. لاک کوچولو هر چه تمرین می کرد، نمی توانست به سرعت آنها بدود، با تمام قدرت می دوید و تلاش می کرد؛ ولی نمی شد.

بالاخره یک روز لاک پشت کوچولو پیش آقا خرگوشه رفت و گفت: "آقا خرگوشه من از فردا نمی آیم. هر کار می کنم نمی توانم به سرعت بدوم."

بعد هم سرش را پایین انداخت و با غصه گفت: "هر روز سر وقت می آمدم و این همه تمرین می کردم؛ ولی هیچ فایده ای نداشت."

آقا خرگوشه دستی به سر لاک پشت کوچولو کشید و گفت: "لاکی جان، تمرین های تو بی فایده نبود که هیچ، تازه ... خیلی هم فایده داشت. تو ورزش دو میدانی را یاد گرفتی. پاهایت خیلی قوی شده، بدنت نیز ورزیده شده. تازه .... من یک فکر خیلی خوب برایت دارم."

لاکی کوچولو سرش را بالا گرفت و پرسید: "چه فکری؟"

آقا خرگوشه گفت: "تو باید در یکی از رشته های دوی استقامت تمرین کنی. مطمئنم که در این رشته موفق می شوی. شاید هم یک روز قهرمان بزرگی شوی."

لاک پشت کوچولو پرسید: "دوی استقامت دیگر چیست؟"

آقا خرگوشه خندید و گفت: "آن هم رشته ای از دو میدانی است؛ ولی باید ساعت ها راه بروی پاهایت باید خیلی قوی باشد تا خسته نشوی."

لاکی خندید و گفت: "آره ... چه فکر خوبی ... این رشته ورزشی را بیشتر دوست دارم."

آن شب لاک کوچولو به بابا لاک پشت گفت: "فردا می خواهم پنج تا هویج برای آقا خرگوشه ببرم."

آقا لاک پشت با تعجب پرسید: "چرا؟ شهریه اش را زیاد کرده؟"

لاکی خندید و گفت: "نه، خودم دلم می خواهد ببرم."

و شروع کرد به تعریف کردن که چطوری می خواهد

قهرمان دوی استقامت شود.

